روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

سه‌شنبه | ۲۸ مرداد ۱۴۰۴ | ۲۵ صفر ۱۴۴۷ | ۱۹ آگوست ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۳۹۳ | ۸ صفحه | ۱۰ هزار تومان

| ۱۱۹۰ سال و ۳۵۱ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4393 | TUE.AUG.19, 2025 | ISSN:2008-2886

«وطن امروز» گزارش می‌دهد
واقعیت‌هایی از جنگ ۱۲ روزه که کمتر بیان شده است

برگ برنده یا پاشنه آشیل نتانیاهو!

همین صفحه

اختصاصی «وطن امروز»
استقلال همچنان به دنبال جذب بازیکن

وینگر از پرتغال می‌آید؟

صفحه ۶

«وطن امروز» گزارش می‌دهد
روسیه، آمریکا و اروپا هر کدام چه اهدافی را در مذاکرات اخیر جنگ اوکراین دنبال می‌کنند؟

کلاف کی‌یف

صفحات ۵و۷

تیترهای امروز

راهکار دستگاه تبلیغاتی صهیونیست‌ها برای فرار از پاسخگویی به جنایات مسلم و مستند رژیم

پروتکل وقاحت

صفحه ۸

بیانیه ضدایرانی جبهه اصلاحات
صدای اعتراض سایر اصلاح‌طلبان را هم درآورد

ساده‌انگارانه و عقب‌مانده

■ اصلاح‌طلبان: بیانیه جبهه اصلاحات فاقد واقع‌بینی، عقب‌مانده از تحولات جهانی و منطقه‌ای و مبتنی بر تحلیل‌های دهه‌های گذشته است

صفحه ۲

ویژه

گزارش «وطن امروز» از جدال نهاد نظارتی و ایران‌خودرو بر سر تعیین قیمت

اعمال قانون

■ سازمان تعزیرات حکومتی، ایران خودرو را به دلیل تخلف در قیمت‌گذاری ۸ هزار میلیارد تومان جریمه کرد

صفحه ۳

نقدی بر فانتزی‌های دیپلماتیک ظریف در فارن پالیسی

توهم تغییر پارادایم

نگاه
مهدی حسنی

در فضای پرتنش سیاست خارجی امروز که رقابت‌های ژئوپلیتیک و اقتصادی به اوج رسیده و حتی متحدان دیرینه غرب بر سر اولویت‌های امنیتی و اقتصادی به رویارویی نرم کشیده شده‌اند، مقاله اخیر محمدجواد ظریف در نشریه فارن پالیسی با عنوان «زمان تغییر پارادایم فرارسیده» بیشتر به داستان‌های تکراری و آرمان‌گرایانه گذشته می‌ماند.

ظریف در این نوشتار بار دیگر به شعارهای فریبنده قدیمی مانند «گذار از اختلاف به همکاری»، «همگرایی منطقه‌ای واقعی»، «مبارزه با افراط‌گرایی» و «گفت‌وگوی چندجانبه آینده‌نگر و نتیجه‌محور» متوسل شده است. این عبارات در جهانی مطرح می‌شود که رقبای دیرینه مانند چین و آمریکا یا روسیه و غرب، پرده‌پوشی را کنار گذاشته و به رویارویی تمام‌عیار در عرصه‌های اقتصادی (جنگ تعرفه‌ها و تحریم‌های فناوری)، امنیتی (بحران اوکراین و تنش‌های دریای چین جنوبی) و نظامی (گسترش ناتو و مسابقه تسلیحاتی) پرداخته‌اند.

حتی در مقایسه با جمله مشهور مرحوم رفسنجانی که «دنیای آینده دنیای گفت‌وگوهاست، نه موشک‌ها»، این اظهارات کهنه‌تر به نظر می‌رسد، چرا که وقتی رفسنجانی این جمله را به کار برد، هنوز نشانه‌هایی از همکاری بین‌المللی وجود داشت اما امروز با تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیک - از جمله تلاش آمریکا برای حفظ هژمونی خود در خاورمیانه از طریق حمایت بی‌قیدوشرط از اسرائیل و اعمال تحریم‌های فلج‌کننده علیه ایران - هیچ اثری از «نوع‌دوستی» در روابط بین کشورها دیده نمی‌شود.

جنگ اوکراین از ۲۰۲۲ تاکنون گواه روشنی بر عمق این رقابت‌هاست؛ جایی که روسیه و غرب نه‌تنها در میدان نبرد، بلکه در عرصه انرژی و اقتصاد جهانی به مقابله پرداخته‌اند. این الگو در غرب آسیا نیز تکرار می‌شود؛ با تنش‌های مداوم میان کشورهای منطقه.

اما مشکل اصلی مقاله ظریف نه در کهنگی دیدگاه‌هایش، بلکه در بنیان ایدئولوژیک آن نهفته است؛ جایی که او ادعا می‌کند «این تحول باید از درون ایران آغاز شود و به همسایگان گسترش یابد»! این گزاره که ظاهراً در پی توانمندسازی مردم ایران از طریق اصلاحات داخلی است، در عمل به نوعی خودسرزنشی تبدیل می‌شود و تمام مشکلات کشور -از تحریم‌ها تا تهاجمات خارجی - را به سیاست‌های داخلی نسبت می‌دهد.

ادامه در صفحه ۲

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ واقعیت‌هایی از جنگ ۱۲ روزه که کمتر بیان شده است

برگ برنده یا پاشنه آشیل نتانیاهو!

یادداشت
امیرعباس نوری

تاکنون ارزیابی‌های زیادی درباره جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران ارائه شده است.

در این بین، به مرور و با دور شدن از فضای احساسی و هیجانی، همچنین آشکار شدن واقعیات مربوط به موازنه و معادله نبرد، فرصتی است تا به برخی نکات بسیار مهم که تاکنون یا به آنها اشاره نشده یا کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اشاره شود. در ادامه برخی از این نکات به صورت مختصر مطرح می‌شود.

۱- درباره غافلگیری ایران، مطالب زیادی مطرح شد اما همان‌گونه که فرماندهان نظامی تاکید کرده‌اند، این غافلگیری عمدتا درباره نوع و نحوه حمله رژیم صهیونیستی بوده است. برآوردهای ایران از زمستان سال گذشته نشان می‌داد حمله رژیم قطعی است. حتی درباره زمان حمله نیز برآوردهای زیادی از احتمال حمله، درست در فردای روزی که اصطلاحا اولتیماتوم ۶۰ روزه ترامپ به ایران به اتمام می‌رسد، خبر می‌داد. حضور شهیدان سردار سپهبد سلامی و سردار سرلشکر حاجی‌زاده در دفاتر کاری خود در شب حمله نیز گواه این واقعیت است اما شاید برآورد حداکثری درباره شیوه حمله رژیم صهیونیستی به ایران این بود که رژیم تاسیسات هسته‌ای و احتمالا برخی مراکز موشکی و نظامی ایران را هدف قرار خواهد داد. ضمن اینکه بر اساس تصمیمات اتخاذشده، فرماندهان نظامی ایران از جمله فرمانده کل سپاه و فرمانده نیروی هوا فضای سپاه آماده اجرای واکنش ایران به حمله احتمالی رژیم صهیونیستی بودند. بر اساس این تصمیمات، ایران بلافاصله پس از حمله احتمالی رژیم صهیونیستی، حمله خود به اهداف از پیش تعیین‌شده را آغاز می‌کرد. بنابراین اقدام جنون‌آمیز رژیم صهیونیستی در حمله به مقرهای فرماندهی نظامی و همین‌طور منازل فرماندهان، برخلاف پیش‌بینی‌ها درباره شیوه این حمله بود. کما اینکه همین موضوع باعث به تاخیر افتادن پاسخ ایران شد. ۲۱ مورد واکنش ایران در قالب عملیات «وعده صادق ۳»، به وضوح نشان داد ایران از قبل یک بانک اهداف گسترده را در سرزمین اشغالی تعیین کرده بود. ضمن اینکه تعدد تاکتیک‌های ایران در حملات موشکی و پهپادی ثابت می‌کند فرماندهان نظامی ایران بارها موضوع حمله به مراکز و تاسیسات مهم نظامی و اقتصادی رژیم صهیونیستی را مرور و طراحی کرده بودند. به همین خاطر بود که با وجود شهادت فرماندهان ارشد، طراحی‌های نظامی توسط فرماندهان جدید با موفقیت اجرا شد. اینکه تصور شود تاکتیک‌های متنوع و موفقیت‌آمیز ایران طی ۲۱ نوبت حمله به رژیم صهیونیستی در جریان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه طراحی شده باشد، دقیق نیست. قطعا تصمیم‌گیری برای طراحی برخی از این تاکتیک‌ها، در خلال جنگ و متناسب با حملات رژیم صهیونیستی به ایران انجام شد اما بر اساس نظرات کارشناسان و استراتژیست‌های نظامی، عملکرد ایران بویژه تاکتیک‌های موفق در مختل کردن عملکرد سیستم چندلایه دفاع موشکی رژیم صهیونیستی، نشان داد فرماندهان نظامی ایران از مدت‌ها قبل طراحی‌های متنوعی برای این عملیات انجام داده بودند.

پس یکی از نکات مهم درباره عملکرد موشکی و پهپادی ایران طی ۱۲ روز جنگ، این است که فرماندهان نظامی ایران یک استراتژی جامع برای مقابله با حمله نظامی رژیم صهیونیستی تدوین کرده بودند؛ یک استراتژی چندلایه در سطوح مختلف که متناسب با نوع حملات دشمن و سطح‌بندی جنگ، طراحی و اجرا شد.

۲- هم مقامات سیاسی و هم فرماندهان نظامی ایران طی چند دهه اخیر بویژه پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، در ارزیابی توان نظامی رژیم صهیونیستی، همواره کمک‌های آمریکا به هر نوع درگیری این رژیم با ایران را لحاظ کرده‌اند. با این حال، جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، دست‌کم تا ۳ سال آینده این واقعیت را تثبیت کرده است که رژیم صهیونیستی یعنی آمریکا. به عبارتی اگر تا قبل از جنگ ۱۲ روزه تصور می‌شد واشنگتن در جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران، حمایت‌های نظامی، اطلاعاتی و سیاسی از تل‌آویو به عمل خواهد آورد اما این جنگ در عمل نشان داد دولت ترامپ در صدد انتقال این پیام به ایران و سایر بازیگران منطقه است که رژیم صهیونیستی یعنی آمریکا و این واقعیت نیز در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه کاملا آشکار شد. واقعیت این است که در مقابل ایران، رژیم صهیونیستی تنها در قامت طرف نیابتی بود و طرف اصلی، آمریکا و ناتو بودند. جز حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک، تسلیحات نظامی رژیم صهیونیستی کاملا آمریکایی بود اما جدا از اینها، دسترسی‌های اطلاعاتی‌ای که رژیم تل‌آویو بر اساس آنها طی ۱۲ روز هم فرماندهان و مقامات سیاسی و هم مراکز نظامی و انتظامی و قضایی ایران را هدف قرار داد، یک دسترسی کامل به توانایی اطلاعاتی آمریکا بود. به تعبیری دولت آمریکا همه توان اطلاعاتی خود را در اختیار رژیم قرار داد و در این حوزه هیچ‌گونه محدودیتی برای تل‌آویو اعمال نکرد. آمریکا هم در حملات رژیم صهیونیستی به ایران و هم در عملیات‌های پدافندی رژیم در مقابل موشک‌ها و پهپادهای ایرانی، حضور مستقیم و کامل داشت. نهایتا بامداد اول تیرماه، با حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران، کمک نظامی و سیاسی مهمی به رژیم صهیونیستی کرد. بر اساس گزاره‌های میدانی، از روز ششم، معادله میدان نبرد رو به تغییر نهاد و تا روز نهم، موازنه به سود ایران تغییر کرد. بر همین اساس، حمله مستقیم آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران، نهایت تلاش ترامپ برای جلوگیری از علنی شدن شکست نتانیاهو بود. کما اینکه بعد از این حمله و پس از حمله موشکی ایران به پایگاه العدید، موضوع آتش‌بس از سوی نتانیاهو و ترامپ مطرح شد. بنابراین جنگ تحمیلی ۱۲ روزه یک تجربه جدید درباره رویارویی با رژیم صهیونیستی از حیث میزان ورود و دخالت آمریکا در این جنگ بود.

ترامپ بر خلاف روسای جمهوری پیشین آمریکا نشان داد در جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران، نسبت به همه ملاحظات و منافع آمریکا چشم‌پوشی می‌کند و تمام‌قد در خدمت تل‌آویو خواهد بود. برخی معتقدند یکی از اهداف اصلی نتانیاهو از راه‌اندازی جنگ علیه ایران، ارسال این پیام به همه کشورهای منطقه بود که دولت ایالات متحده تمام‌قد پشتیبان او است و حتی در جنگ علیه قدرت اول منطقه یعنی ایران نیز این پشتیبانی سیاسی و نظامی انجام می‌شود. کارشناسان معتقدند حمله رژیم صهیونیستی به سوریه نیز در راستای انتقال همین پیام بود، چرا که نتانیاهو به همه نشان داد رژیم حکم ایالت پنجاه و یکم آمریکا را دارد. اگر پیش از این تصور می‌شد آمریکا حامی و پشتیبان اصلی رژیم صهیونیستی است اما نتانیاهو در جنگ علیه ایران درصدد اثبات این گزاره بود که ایالات متحده نه پشتیبان اصلی، بلکه خود رژیم صهیونیستی است. لازم است این نکته یادآوری شود که پیش از جنگ ۱۲ روزه، قطعا مقامات سیاسی و فرماندهان نظامی ایران، در طراحی سناریوهای مختلف برای رویارویی مستقیم با رژیم صهیونیستی، موضوع ورود آمریکا به این درگیری احتمالی و حمایت‌های مختلف نظامی و سیاسی را لحاظ می‌کردند اما همان‌گونه که اشاره شد؛ جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نشان داد دست‌کم تا پایان دوره ۴ ساله ریاست جمهوری ترامپ، رژیم صهیونیستی حکم یکی از ایالات آمریکا را دارد و در مواجهه نظامی این رژیم با قدرت‌های بزرگ، آمریکا تمام‌قد حضور دارد و تفکیکی میان منافع آمریکا و رژیم صهیونی وجود ندارد. البته بعید نیست این همراهی و همکاری عجیب ترامپ با نتانیاهو در آینده نزدیک دستخوش تغییراتی شود اما شواهد میدانی حاکی است فعلا همراهی و همکاری ترامپ با نتانیاهو برقرار است.

۳- جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، در اصل جنگ آمریکا و ناتو علیه ایران بود. به همین خاطر بود که برای نخستین‌بار در دنیا، قدرت تکنولوژی‌های نوین در جنگ‌ها عیان شد. می‌توان گفت برای نخستین‌بار، همه دنیا شاهد یک جنگ نوین و متفاوت با سایر جنگ‌هایی بود که تاکنون در سراسر دنیا رخ داده بود. هم سلاح‌ها و تجهیزات جدیدی در این جنگ مورد استفاده رژیم صهیونیستی و آمریکا قرار گرفت و هم کاربردهای نظامی تکنولوژی‌های مدرنی مانند هوش مصنوعی آشکار شد. بر همین اساس می‌توان به جرأت گفت جنگ ۱۲ روزه، مدرن‌ترین و پیشرفته‌ترین جنگی بود که بشر تاکنون به خود دیده است. بخش زیادی از موفقیت آمریکا و رژیم صهیونیستی در این جنگ، مرهون استفاده آنها از نرم‌افزارهای مدرن در حوزه هوش مصنوعی بود. کما اینکه ترورهای رژیم عمدتا با تکیه و بهره‌گیری از این تکنولوژی انجام شد. به عنوان مثال، یکی از راه‌های دستیابی آنها به مقر و محل اقامت فرماندهان و روسای قوا، استفاده همزمان دشمن از اطلاعات داده‌های آنلاین ماهواره‌های آمریکایی و آنالیز این داده‌ها توسط هوش مصنوعی بود. آنالیز داده‌های ماهواره‌ها و عناصر میدانی توسط هوش مصنوعی باعث می‌شد اقدامات و حملات تروریستی آنها در اکثر مواقع موفق شود. بر اساس برخی گزارشات، حتی شیوه حملات نظامی آنها به اهداف تعیین‌شده و همین‌طور طراحی‌های دشمن در حوزه پدافند و رهگیری و هدف قرار دادن موشک‌ها و پهپادهای ایران، توسط هوش مصنوعی انجام شده است. نرم‌افزارهایی که بسیاری از آنها هنوز محرمانه است و صرفا کارکرد نظامی دارد. بر همین اساس، جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، هم از حیث تسلیحات و تجهیزات جنگی، هم از حیث اطلاعاتی و هم از نظر استفاده از نرم‌افزارهای هوش مصنوعی، یک جنگ مدرن و هوشمند و نسبت به جنگ‌های پیشین، کاملا متفاوت و منحصر به فرد بود. در این واقعیت نمی‌توان کوچک‌ترین تردیدی وارد کرد. با در نظر گرفتن این واقعیت است که اهمیت و ارزش کاری که نیروهای نظامی ایران، خاصه نیروی هوافضای ایران طی ۱۲ روز جنگ نابرابر و ناعادلانه انجام دادند، مشخص می‌شود. طی یکی دو سال اخیر بعضا شنیده می‌شد نیروی هوافضای سپاه با بهره‌گیری از هوش مصنوعی موشک‌ها و پهپادهای مدرنی طراحی و وارد مدار کرده است. اکنون مشخص می‌شود متخصصان و دانشمندان ایرانی چرا و چگونه با هوشمندی، از تکنولوژی‌های مدرن برای دفاع از کشور استفاده کردند.

۴- نتانیاهو تصور می‌کند حمایت قاطع و تمام‌قد ترامپ از او، زمینه‌ساز پیشبرد اهدافش در منطقه است. وی آنقدر روی این حمایت حساب کرده که بدون توجه به واکنش کشورهای عرب منطقه، از تحقق رویای «اسرائیل بزرگ» می‌گوید. بدون شک چنین اظهاراتی باعث می‌شود پروژه‌هایی مانند پیمان ابراهام به صورت کامل منتفی شود، چرا که نتانیاهو رسما از نقشه خود برای اشغال کل خاک اردن، بیشتر خاک سوریه، یک‌سوم خاک عربستان، نیمی از خاک عراق و بخش‌های وسیعی از شرق مصر پرده برداشته است. بدیهی است نتانیاهو با خوش‌بینی نسبت به حمایت‌های ترامپ، به این نتیجه رسیده تمرکز بر دیپلماسی برای تحقق پیمان آبراهام و به رسمیت شناخته شدن رژیم صهیونیستی به عنوان یک واحد موجود در منطقه غرب آسیا را کنار گذاشته و فعلا روی پروژه تسلط بر منطقه از طریق نظامی‌گیری و جنگ‌طلبی متمرکز شده است. در همین راستا او تصور می‌کند با جنگ ۱۲ روزه و نشان دادن حضور ترامپ در کنار خود، توانسته هژمون منطقه یعنی ایران را تضعیف کند تا مانع اصلی بر سر راه تحقق پروژه اسرائیل بزرگ را بردارد. با این حال اما جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه ایران، یک واقعیت خطرناک را علیه رژیم صهیونیستی آشکار کرد و آن وابستگی بیش از اندازه رژیم صهیونی به آمریکاست. جنگ ۱۲ روزه به وضوح نشان داد قدرت ایران کاملا درون‌زا و مستقل است اما قدرت رژیم صهیونیستی کاملا وابسته به آمریکاست.

یعنی اگر فاکتور آمریکا را از موازنه و معادله قدرت میان ایران و رژیم صهیونیستی خارج کنیم، قطعا این موازنه به سود ایران خواهد بود.

تردیدی نیست بدون حضور و مشارکت آمریکا اساسا رژیم صهیونیستی قادر به شروع جنگی علیه ایران نیست و این هم یک واقعیت غیرقابل تردید است که آمریکا همواره و در هر شرایطی حامی و پشتیبان رژیم صهیونی است اما این واقعیت هم غیر قابل تردید است که رفتار ترامپ در جنگ ۱۲ روزه، یک رفتار کاملا متفاوت نسبت به مناسبات روسای جمهوری پیشین آمریکا چه از حزب دموکرات و چه جمهوری‌خواه بود. ترامپ در جنگ ۱۲ روزه نشان داد این جنگ، جنگ آمریکاست و در عمل تفکیکی میان منافع ایالات متحده و رژیم صهیونیستی قائل نیست. همراهی و همکاری آمریکا با رژیم صهیونیستی حتی برای اصحاب قدرت و رسانه در آمریکا هم عجیب بود. آنقدر که برخی رسانه‌ها در تحلیل این همراهی و همکاری عجیب ترامپ با نتانیاهو، موضوع اخاذی موساد از ترامپ به خاطر پرونده اپستین را مطرح کردند.

بنابراین همیشه در بر همین پاشنه نمی‌چرخد. این احتمال بسیار جدی است که دولت‌های آینده آمریکا رفتاری متفاوت از دولت فعلی در قبال جنگ‌طلبی‌های رژیم صهیونیستی، خاصه علیه ایران اتخاذ کنند. این احتمال هم اصلا بعید نیست که خود ترامپ نیز در آینده، نسبت به این همکاری و همراهی با نتانیاهو تجدیدنظر کند. بنابراین قدرت فعلی رژیم صهیونیستی، یک قدرت کاذب و عاریه‌ای است. بر همین اساس است که پیش‌بینی می‌شود یا نتانیاهو از این فرصت کمال استفاده را می‌برد و جنگ‌طلبی‌هایش در منطقه را تا رسیدن به نقطه دلخواه ادامه می‌دهد یا در صورت هر نوع تغییر در مناسبات واشنگتن - تل‌آویو، در واقع او رژیم صهیونیستی را در یک باتلاق بزرگ فرو برده است. جنگی که بامداد ۲۳ خرداد علیه ایران آغاز شد، منطقه را به یک مرحله جدید و غیر قابل بازگشت کشاند. این جنگ، یک جنگ ادامه‌دار است. خود نتانیاهو نیز اخیرا در یکی از اظهارات خود اذعان کرد آنچه شروع کرده یا نهایتا منجر به پیروزی رژیم صهیونیستی خواهد شد، یا منجر به نابودی آن اما همان‌گونه که بیان شد؛ بزرگ‌ترین خطر برای رژیم صهیونیستی، وابستگی بیش از اندازه آن به آمریکاست و آنچه نتانیاهو اکنون به عنوان نقطه قوت و برتری خود تلقی می‌کند، می‌تواند به بزرگ‌ترین نقطه ضعف او و بزرگ‌ترین خطر برای موجودیت رژیم صهیونیستی تبدیل شود.

معنی ساده این وضعیت این است که اکنون بیشتر و ملموس‌تر از همیشه، موجودیت رژیم صهیونیستی وابسته به آمریکاست. نکته مهم‌تر اینکه این گزاره اکنون آشکارتر و واضح‌تر از هر زمان شده است.

درباره ایران ـ همان‌گونه که بیان شد ـ قدرت کاملا درون‌زا و مستقل است. ایران در جنگ ۱۲ روزه به وضوح به همه بازیگران منطقه و جهان نشان داد با وجود متحمل شدن هزینه‌ها و خسارات مهم اما نه‌تنها توان تاب‌آوری برابر بزرگ‌ترین و بی‌سابقه‌ترین همکاری رژیم صهیونیستی و آمریکا را دارد، بلکه می‌تواند به مرور با مهار تبعات غافلگیری و تسلط بر اوضاع، حتی معادله نبرد را نیز تغییر دهد.

ادامه در صفحه ۲